فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی/ سال چهارم/ شماره ۱٤ / تابستان ۹۱/ صفحات ٦٦- ۵۱

تأثیر نقش نظارتی بانک‌ها بر مدیریت سود شرکت‌ها

سیدعباس هاشمی*
مهدی باقری خولنجانی**

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۱۵

چکیده:

در این پژوهش تأثیر نقش نظارتی بانک‌ها بر مدیریت سود شرکت ها مورد بررسی قرار گرفته است. برای اندازه گیری مدیریت سود بر اساس الگوی تصحیح شده جونز از اقلام تعهدی اختیاری استفاده شده است. در راستای هدف پژوهش چهار فرضیه تدوین گردید. در فرضیه اول و دوم اثر میزان تسهیلات دریافتی و مدت باز پرداخت تسهیلات بر مدیریت سود مورد آزمون قرار گرفته است. در فرضیه سوم تأثیر تعداد بانک‌های تسهیلات دهنده بر مدیریت سود و در فرضیه چهارم تأثیر میزان اعتبار بانک تسهیلات دهنده بر مدیریت سود آزمون شده است. به منظور آزمون فرضیه های پژوهش ،داده های ۱۰۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۸۲ جمع آوری وبا استفاده از الگوی رگرسیون چند متغیره و داده های ترکیبی مورد تجزیه وتحلیل قرار گرفته است. یافته های پژوهش نشان داد که میزان تسهیلات بانکی و اعتبار بانک تسهیلات دهنده تأثیری بر مدیریت سود ندارد. لیکن مدت تسهیلات بانکی دریافتی و تعداد بانک‌های تسهیلات دهنده تأثیر معنی‌داری بر مدیریت سود دارد. بعلاوه تعداد شرکت‌های تسهیلات گیرنده از بانک‌ها و میزان اهرم مالی شرکت نیز تأثیر معنی‌داری بر مدیریت سود دارد.

* استادیار حسابداری، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، گروه حسابداری، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول) Email: a.hashemi2@yahoo.com

** کارشناس ارشد حسابداری، موسسه عالی آموزش بانکداری ایران ، گروه حسابداری، اصفهان، ایران. Email:mehdy_b@yahoo.com

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

واژه های کلیدی: نقش نظارتی بانک‌ها، مدیریت سود، تسهیلات بانکی، اقلام تعهدی اختیاری

۱- مقدمه

با رشد و توسعه شرکت‌ها در سال‌های اخیر و تفکیک مالکیت از مدیریت و به تبع آن بروز مسائل نمایندگی، امروزه عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و مالکان و سایر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سرمایه گذاران و اعتباردهندگان جهت تصمیم‌گیری در خصوص سرمایه‌گذاری یا اعطای تسهیلات و اعتبار مبدل گردیده است. در واقع اندازه‌گیری جریان‌های نقدی و توانایی شرکت‌ها در ایجاد جریان‌های نقدی آتی از طرف دیگر باعث شده است آنها بیش از هر چیز بر سود حسابداری تمرکز کنند. به خاطر جایگاه و اهمیت سود برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، مدیریت از گذشته همواره توجه خاصی به نحوه‌ی تهیه و گزارش رقم مذکور داشته و معمولاً سعی نموده است با استفاده از روش‌های حسابداری، نوسانات سود در دوره‌های متوالی را کاهش داده و سود را مدیریت کند. در حقیقت مدیریت سود زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران با استفاده از قضاوت در گزارشگری مالی و ساختار مبادلات جهت گمراه نمودن بعضی از ذینفعان (شامل سهامداران، اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران و...)درباره عملکرد شرکت یا تحت تاثیر قراردادن نتایج قراردادی که به ارقام حسابداری گزارش شده وابسته است، در گزارشگری مالی تغییر ایجاد کنند(جونز و شارما[1]، ۲۰۰۱). با توجه به اهمیت صورت‌های مالی خصوصاً صورت سود و زیان در تصمیم گیری جهت اعطای تسهیلات و اعتبار ممکن است مدیران شرکت‌ها برای جلب نظر مساعد اعتبار دهندگان وضعیت مطلوبی از سودآوری شرکت را به نمایش بگذارند تا ضمن جذب سرمایه لازم بتوانند هزینه بدهی را نیز کاهش دهند(دفوند و جیم بالو[2] ، ۱۹۹۴). با توجه به موارد مذکور اثری که نقش نظارتی بانک‌ها می‌تواند بر کاهش مخاطرات اخلاقی مدیران شرکت‌های تسهیلات گیرنده داشته باشد؛ موضوعی است که برای بانک‌ها و سایر ذینفعان بسیار حائز اهمیت بوده و در پژوهش حاضر نیز به آن پرداخته شده است. از آنجایی که بررسی تأثیر نقش نظارتی بانک‌ها بر مدیریت سود شرکت‌ها مستلزم اندازه گیری توان نظارتی بانک‌ها خواهد بود، چهار متغیر میزان تسهیلات اعطایی، مدت بازپرداخت تسهیلات، درجه (اعتبار) بانک تسهیلات دهنده و تعداد

[1] -Jones and Sharma
[2] -Defond and Jimbalvo

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

تسهیلات دهندگان به شرکت در این پژوهش بیانگر توان نظارتی بانک‌ها و به عنوان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته نیز مدیریت سود می‌باشد. مطالعه حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا نقش نظارتی بانک‌ها بر مدیریت سود شرکت‌های تسهیلات گیرنده تأثیر دارد؟

۲- مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نقش اساسی گزارشگری مالی کمک به سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان است تا با دسترسی به اطلاعات مفید بتوانند ریسک و بازده مرتبط با سرمایه گذاری خود را ارزیابی کنند. از آنجایی که جریان‌های نقدی سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان با جریان های نقدی واحد تجاری ارتباط دارد، گزارشگری مالی باید اطلاعاتی را فراهم نماید که به کمک آن اعتبار دهندگان، سرمایه گذاران و سایرین بتوانند مبالغ، زمان بندی و ابهامات مربوط به خالص جریان های نقدی واحد تجاری را ارزیابی نمایند. این اطلاعات تنها از طریق اندازه گیری سود حسابداری و اجزای آن بدست می‌آید. استفاده از روش تعهدی در حسابداری باعث می شود که سود عملیاتی به دوجزء نقدی و تعهدی تفکیک شود، که جزء نقدی همان جریان های نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی و جزء تعهدی تفاوت سود عملیاتی و جزء نقدی است. هیلی[1] (۱۹۸۵) در تحقیق خود، مفهوم محدودی از اقلام تعهدی به کار برده است که بر روی اقلام تعهدی جاری متمرکز است، به طوری که اقلام تعهدی عملیاتی بلندمدت (مثل هزینه های توسعه نرم افزار سرمایه ای و مخارج سرمایه ای[2]، ماشین آلات و تجهیزات) درتعریف وی نادیده گرفته شده است. نادیده گرفتن چنین اقلامی موجب اندازه گیری نادرست جزء نقدی و تعهدی می شود زیرا جزء نقدی به عنوان اختلاف سود و اقلام تعهدی می باشد.

اسلون[3] (۲۰۰۴) مفهوم جامع تری نسبت به مفهوم‌های قبلی به کار برده است و دارایی‌ها و بدهی‌های عملیاتی بلندمدت را جزء اقلام تعهدی به شمار می آورد. بر اساس یافته های اسلون (۱۹۹۶) عملکرد سودهای قابل انتساب به جز تعهدی سود از ثبات کمتری نسبت به جز نقدی آن برخوردار است. اما اقلام تعهدی نسبت به جریان های نقدی عملیاتی دارای محتوای اطلاعاتی بیشتری است.

[1]-Healy
[2]-Capital Expenditures
[3] -Sloan

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

شواهد قبلی نشان می دهد که سود تعهدی در فرآیند ارزشگذاری نقشی مهم بازی می کند، زیرا مشکلات زمان بندی و عدم تطابق نهفته در ارقام وجوه نقد را کاهش می دهد [بال و براون[1]، (۱۹۶۸) و دیچو[2]، (۱۹۹۴)]. به هر حال قابل اتکا بودن و مفید بودن اقلام تعهدی مورد تردید است چرا که مدیران قادرند آن‌ها را دستکاری کنند تا سود گزارش شده را سازگار با اصول پذیرفته شده حسابداری و مطابق میل خود تعدیل نمایند. اگر مدیریت، سود را فرصت طلبانه دستکاری کند، این اختیار مدیریت می تواند سود گزارش شده را تحریف نماید (واتز و زیمرمن[3]، ۱۹۸۶).

مدیران شرکت‌هایی که دستخوش افزایش عمده در اهرم مالی می‌شوند برای رعایت کردن شروط قراردادهای تامین مالی، نشان دادن وضعیت مطلوب عملکرد شرکت، کاهش ریسک سرمایه گذاری در شرکت و به تبع آن کاهش نرخ بهره اعتبارات دریافتی، ممکن است که اقدام به هموارسازی سود نمایند . به عبارت دیگر، افزایش اهرم مالی (افزایش بدهی‌ها) توان شرکت را برای هموارسازی سود افزایش می دهد(رجبی و گنجی،۱۳۸۶). یافته‌های تحقیقات قبلی نشان می دهد که افزایش اهرم، رفتارهای فرصت طلبانه در ارتباط با جریان‌های نقدی آزاد را به دو دلیل کاهش می دهد. اولاً وجود بدهی باعث می شود که مدیران جهت پرداخت اصل و بهره بدهی، جریان‌های نقدی آزاد کمتری در دست داشته باشند، لذا نتوانند سرمایه گذاری‌های غیر بهینه انجام دهند. ثانیا شرکت‌هایی که از طریق بدهی تامین مالی می نمایند، باید رسیدگی‌های شدید قرض دهندگان را تحمل کنند . لذا آنها در انجام سرمایه گذاری ها دچار محدودیت هستند.

چوی و سانگیون[4](۲۰۰۸)در پژوهشی با عنوان « نقش نظارتی بانک‌ها در نظام راهبری شرکتی » به بررسی رابطه بین نقش نظارتی بانک ها با مدیریت سود شرکت های تسهیلات گیرنده پرداخته است. آنها با استفاده از چهار متغیر میزان تسهیلات پرداختی، مدت بازپرداخت تسهیلات، تعداد بانک‌های تسهیلات دهنده به شرکت و میزان اعتبار بانک تسهیلات دهنده با بررسی ۱۰۶۳ شرکت بین سالهای ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۱ به این نتیجه رسیدند که با افزایش توان نظارتی بانک‌ها مدیریت سود شرکت‌های تسهیلات گیرنده کاهش می یابد و همچنین بین بازپرداخت تسهیلات و وثایق با مدیریت سود شرکت‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

---

[1]-Ball and Brown
[2]-Dechow
[3]-Watts and Zimmerman
[4]-Choi and sunguoon

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

جلینک[1] (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان اثر افزایش اهرم مالی بر مدیریت سود، تاثیر اهرم مالی (افزایش بدهی‌ها) را بر مدیریت سود تایید کرد. وی با بررسی ۱۴۵۴شرکت و قراردادن آنها در دو گروه شامل ۲۴۶شرکت به عنوان گروه آزمایش و ۱۲۰۸شرکت به عنوان گروه کنترل در یک دوره ۵ ساله نشان داد که شرکت‌هایی که در طی این دوره‌به تدریج با افزایش اهرم مالی روبرو می‌شوند نسبت به آنهایی که طی دوره‌ی مشابه همواره از درجه اهرم بالایی برخوردار بوده‌اند مدیریت سود کمتری انجام داده‌اند. همچنین نتایج دیگری که از پژوهش مذکور حاصل شد بیانگر این مطلب بود که میزان جریان نقدی آزاد و رشد شرکت نیز بر رابطه فوق تأثیر گذار است.

ادابشین[2](۲۰۰۵)در پژوهشی با عنوان تاثیر افزایش عمده اهرم مالی بر رفتار فرصت طلبانه و مدیریت سود به این نتیجه رسید که افزایش عمده بدهی‌ها (اهرم) باعث کاهش رفتارهای فرصت طلبانه و همچنین موجب کاهش مدیریت سود در شرکت‌ها با جریان‌های نقدی آزاد بالا می‌شود. طبق نتایج این پژوهش، وجود بدهی باعث می‌شود که مدیران جهت پرداخت اصل و بهره بدهی، جریان‌های نقدی آزاد کمتری در دست داشته باشند. لذا نمی‌توانند سرمایه گذاری-های غیر بهینه انجام دهند.

هاشمی وکمالی(۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان تاثیر افزایش اهرم مالی، میزان جریان نقدی آزاد و رشد شرکت بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه رسیدند که بین میزان مدیریت سود در شرکت‌هایی که همواره درجه اهرم بالایی دارند و شرکت هایی که که به تدریج درگیر افزایش اهرم مالی می‌شوند تفاوت معنی داری وجود ندارد. همچنین بیان کردند هنگامی که شرکت‌ها درگیر اهرم مالی می‌شوند، بدهی‌ها به عنوان عامل محدود کننده رفتار فرصت طلبانه مدیران عمل می‌کنند و میزان آن را کاهش می‌دهند که باعث کاهش نوسانات سود ناشی از این رفتارها شده و به کاهش مدیریت سود می انجامد.

دستگیر و همکاران(۱۳۸۹) در پژوهشی با بررسی رابطه اقلام تعهدی اختیاری و انگیزه های مدیریت سود با نوسان‌های جریان‌های نقدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از سه متغیر اندازه شرکت، ریسک شرکت و مالیات بر درآمد به عنوان انگیزه های مدیریت به این نتیجه دست یافتند که بین انگیزه های مدیریت با نوسان‌های وجه

[1]-Jelinek
[2]-Odabashian

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

نقد و هموارسازی سود رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین بین انگیزه های مدیریت با اقلام تعهدی اختیاری و هموارسازی سود رابطه معنی داری وجود ندارد.

آقایی و چالاکی (۱۳۸۸) طی پژوهشی به بررسی رابطه بین مالکیت نهادی و استقلال هیات مدیره با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آنها با بررسی ۴۳۰ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۸۰الی ۱۳۸۶ مشاهده نمودند که بین مالکیت نهادی و مدیریت سود و بین استقلال هیئت مدیره و مدیریت سود رابطه معنی دار منفی وجود دارد.

هاشمی و صمدی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان تاثیر هموار سازی سود بر محتوای اطلاعاتی آن در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از مدل تعدیل شده‌ی جونز به این نتیجه رسید که هموار سازی سود، توانایی سودهای سودهای گذشته جاری را در پیش بینی سود و جریان‌های نقدی عملیاتی آتی افزایش می‌دهد در حالی که توانایی مذکور در پیش بینی اقلام تعهدی آتی از طریق هموار سازی سود افزایش نمی‌یابد به عبارت دیگر نمی‌توان با استفاده از سودهای هموارشده اقلام تعهدی آتی را پیش‌بینی نمود.

رجبی و گنجی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان« رابطه بین نظام راهبری و عملکرد مالی شرکت ها» نشان دادند که ۶ عامل مؤثر بر راهبری با شاخص های ارزیابی عملکرد مالی رابطه معنی داری دارند، که ۳ گروه « نقش بانک ها» ، « حسابرسی و پاسخگویی » و« رعایت حقوق سهامداران» دارای بیشترین رابطه بوده است.

پورحیدری و همتی(۱۳۸۳) در پژوهش خود باعنوان « بررسی اثر قراردادهای بدهی، هزینه‌های سیاسی، طرح پاداش و مالکیت بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» معتقدند که با افزایش اندازه شرکت‌ها، مدیریت انگیزه بیشتری جهت افزایش سود در جهت ارائه تصویری بهتر از عملکرد خود به سهامداران و مسوولین دارند. شرکت‌هایی که از تعداد بیشتری کارمند برخوردارند فشارهای سیاسی وارد بر آنها بیشتر است در نتیجه مدیریت اینگونه واحدها جهت کاهش فشار وارده اقدام به کاهش سود می‌نمایند. در نهایت اینکه ارتباط معنی‌داری میان متغیرهای پاداش و مالکیت و دستکاری سود ملاحظه نشده است.

۳- فرضیه‌ها

فرضیه‌ی (۱): میزان تسهیلات بانکی بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معنی‌داری دارد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

فرضیه‌ی(۲): مدت باز پرداخت تسهیلات بانکی بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معنی‌داری دارد.

فرضیه‌ی(۳): تعداد تسهیلات دهندگان به شرکت بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معنی‌داری دارد.

فرضیه‌ی(۴): درجه (اعتبار) بانک پرداخت کننده تسهیلات بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معنی‌داری دارد.

۴- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. قلمرو زمانی پژوهش سال های ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۸ می باشد.برای انتخاب نمونه از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است ،بدین منظور کلیه شرکت های جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده به عنوان نمونه انتخاب شدند:

۱- به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی شرکت‌ها ۲۹ اسفندماه باشد.

۲- به منظور همگن بودن اطلاعات، شرکت‌ها از نوع تولیدی باشد.

۳- در طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداشته باشد.

۴- اطلاعات مورد نیاز شرکت، دردوره مورد بررسی موجود باشد.

۵- طی سال‌های مورد بررسی، شرکت از تسهیلات بانکی استفاده کرده باشد.

۶- تا پایان سال ۱۳۸۸، جزو شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باقی مانده و نماد آنها بسته نشده باشد.

با توجه به محدودیت‌ها و شرایط فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجموعاً ۱۰۷ شرکت انتخاب شدند.

۵- روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ ماهیت توصیفی و از نوع همبستگی و از لحاظ هدف کاربردی است. مدل آماری به کار گرفته شده در این پژوهش مدل رگرسیون چند متغیره می باشد. در این پژوهش جهت آزمون فرضیه ها از داده‌های ترکیبی و برای تعیین نوع داده‌ها از آزمون‌های F لیمر و هاسمن استفاده شده است. تحلیل های آماری از طریق نرم افزار Eviews انجام شده و در نهایت فرضیه های پژوهش از طریق آزمون t، F فیشر و ضریب تعیین (R^2) آزمون شده‌اند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

هنگامی که فرصت‌های رشد و سرمایه‌گذاری محدود باشد مدیران به سرمایه‌گذاری‌هایی دست خواهند زد که دارای خطر پذیری بیشتر خواهد بود. در چنین موقعیتی سود شرکت دستخوش نوسان خواهد شد و مدیران جهت مهار کردن اینگونه نوسان‌ها، که ناشی از سرمایه گذاری‌های پرخطر است به هموار سازی سود اقدام خواهند کرد (جیلینک،۲۰۰۷). وجود اقلام تعهدی غیرعادی بیان کننده مدیریت سود در شرکت است، به همین منظور در این پژوهش برای اندازه‌گیری مدیریت سود از الگوی تصحیح شده جونز که توسط دیچو و همکاران (۱۹۹۵) ارائه شده، بشرح مدل(۱) استفاده شده است.

(۱)

$$TA_{it}/Asset_{it-1} = \beta_0 + 1/Asset_{it-1} + \beta_1(\Delta Rev_{it} - \Delta Ar_{it}) / Asset_{it-1} + \beta_2 PPE_{it}/Asset_{it-1} + \varepsilon_{it}$$

TA_{it} : کل اقلام تعهدی در سال t برای شرکت i است. که از تفاوت سود عملیاتی با جریان نقدی عملیاتی بدست خواهد آمد.

ASSetit-1: کل دارائی‌های شرکت i در ابتدای سال t

ΔRev_{it}: تغییرات در درآمد برای شرکت i در سال t است که از تفاضل درآمد سال جاری وسال قبل بدست می آید.

ΔAR_{it}: تغییرات در حساب‌های دریافتنی برای شرکت i در سال t است.که از تفاضل حساب‌های دریافتنی سال جاری و سال قبل بدست می‌آید.

PPE_{it} :ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات برای شرکت i در سال t

مجموع چهار قلم سمت راست مدل(۱) بیانگر اقلام تعهدی غیر اختیاری می باشد. از آنجا که کل اقلام تعهدی ، شامل اقلام تعهدی اختیاری و اقلام تعهدی غیر اختیاری است، بنابراین ε_{it} ، بیانگر اقلام تعهدی اختیاری برای شرکت i در سال t در مقیاس کل دارایی های اول دوره شرکت خواهد بود. بر اساس این مدل اگر باقیمانده مثبت باشد، بیانگر این است که سود قبل از موقع شناسایی شده است و اگر منفی باشد بیانگر این است که سود بعد از موقع شناسایی گردیده است. در حقیقت منفی بودن باقیمانده این مدل، نشان دهنده این است که شرکت در آینده جریان‌های نقدی آتی بیشتری خواهد داشت و به همین دلیل بانک‌ها با فعالیت‌های نظارتی سعی در پایین آوردن باقیمانده جونز برای شرکت‌های تسهیلات گیرنده دارند.(چوی و سانگیون، ۲۰۰۸).

برای آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون چند متغیره بشرح مدل (۲) که توسط چوی و سانگیون (۲۰۰۸) ارائه گردیده، استفاده شده است.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

(۲)

$$EM_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Magnitude_{it} + \alpha 2 Rankedit + \alpha_3 Length_{it} + \alpha_4 N\text{-}Lender_{it} + \alpha_5 N\text{-}borroewr_{it} + \alpha_6 Auditor_{it} + \alpha_7 BM_{it} + \alpha_8 LogMVE_{it} + \alpha_9 ROA_{it} + \alpha_{10} FreeCF_{it} + \alpha_{11} Leverage_{it} + \alpha_{12} Coverage_{it} + \alpha_{13} AltmanZ_{it} + \varepsilon_{it}$$

EM_{it} متغیر وابسته و مدیریت سود شرکت i در سال t است که برای اندازه گیری آن از مدل (۱) استفاده شده است.

متغیرهای مستقل :

$Magnitude_{it}$: مبلغ تسهیلات دریافتی شرکت i در سال t است.

$Ranked_{it}$: درجه یا میزان اعتبار بانک تسهیلات دهنده به شرکت i در سال t است. به علت فقدان رتبه بندی بانک ها در ایران، از نتایج رتبه بندی بانک ها بر اساس کارایی هزینه که توسط طیبی و همکاران (۱۳۸۸) ارائه گردیده، استفاده شده است.

$Length_{it}$: مدت تسهیلات دریافتی شرکت i در سال t

$N\text{-}Lender_{it}$: تعداد بانک های تسهیلات دهنده به شرکت i در سال t

$N\text{-}Borrower_{it}$: تعداد تسهیلات گیرندگانی است که در سال t همزمان با شرکت i توسط بانک نظارت می شوند.

متغیرهای کنترلی:

$Auditor_{it}$: در صورتی که سازمان حسابرسی، حسابرس شرکت i در سال t بوده است عدد ۱ در غیر این صورت عدد ۰ منظور می گردد.

BM_{it} : نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار شرکت i در سال t

$LogMVE_{it}$: لگاریتم ارزش بازاری سرمایه i در سال t

ROA_{it} : نرخ بازده دارایی های شرکت i در سال t است که از نسبت سود خالص به جمع دارایی های ابتدای دوره به دست می آید.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

FCF_{it}: جریان های نقدی آزاد شرکت i در سال t است که از سود خالص به علاوه استهلاک دارایی ثابت مشهود و نامشهود منهای مخارج سرمایه ای و سود سهام تقسیمی به دست می آید.

$Leverage_{it}$: اهرم مالی شرکت i در سال t که از نسبت بدهی ها به دارایی های شرکت به دست می آید.

$Coverage_{it}$: پوشش بهره شرکت i در سال t است.

$AltmanZ_{it}$: مدل آلتمن برای کنترل سلامتی مالی شرکت i در سال t است. برای محاسبه این متغیر از مدل جهانخانی و کنعانی(۱۳۸۶) استفاده گردیده است.

بر اساس فرضیه‌های پژوهش که بیان شده بود متغیرهای میزان تسهیلات بانکی (Magnitude)، مدت باز پرداخت تسهیلات بانکی (Length) ، تعداد تسهیلات دهندگان به شرکت (N-lender) و درجه (اعتبار) بانک پرداخت کننده تسهیلات (Ranked) بر مدیریت سود تاثیر معنی‌داری دارد، فرضیه‌های این پژوهش در صورتی پذیرفته خواهد شد که ضرایب α_1،α_2،α_3وα_4 معنی دار و منفی باشد.

۶-تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

در این پژوهش از داده های ترکیبی استفاده شده است .به منظور تعیین نوع داده‌های ترکیبی از آزمون F لیمر استفاده گردید.نتایج این آزمون نشان داد که داده های مورد استفاده از نوع داده های تلفیقی بوده و لذا نیازی به آزمون هاسمن نبود. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها ابتداء اقلام تعهدی اختیاری با استفاده از الگوی (۱) برآورد گردید. که مفروضات کلاسیک مدل رگرسیون برای این رابطه مورد آزمون قرار گرفت. هدف از برآورد این الگو، استفاده از اجزاء خطا یعنی εit بوده که در برآورد الگوی (۲) مورد استفاده قرار گرفته است. فرضیه‌های پژوهش با استفاده از الگوی (۲) آزمون گردید که نتایج آن در جدول (۱) قابل مشاهده است.

با توجه به نتایج منعکس در جدول (۱) مقدارp-value به دست آمده برای آماره F که برابر با ۰.۰۰۰۶ است و از آنجا که سطح احتمال به دست آمده از ۰.۰۵ کمتر است ($p\text{-value} \leq 0.05$)، بنابراین فرضیه H صفر کل آزمون انجام شده رد می‌شود و این نشان می‌دهد که تمامی ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نیستند. بنابراین به طور همزمان بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی داری وجود دارد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

جدول(۱): نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه‌ها

$$EM_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Magnitude_{it} + \alpha 2 Rankedit + \alpha_3 Length_{it} + \alpha_4 N\text{-}Lender_{it} + \alpha_5 N\text{-}borroewr_{it} + \alpha_6 Auditor_{it} + \alpha_7 BM_{it} + \alpha_8 LogMVE_{it} + \alpha_9 ROA_{it} + \alpha_{10} FreeCF_{it} + \alpha_{11} Leverage_{it} + \alpha_{12} Coverage_{it} + \alpha_{13} AltmanZ_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر	نماد	ضریب	انحراف معیار	آماره t	p-value
عرض از مبدا	C	-۰/۱۰۷۳۵	۰/۱۱۴۶۷۱	-۰/۹۳۶۱۳	۰/۳۴۹۶
میزان تسهیلات بانکی	MAGNITUDE	۴/۸۹E-۱۶	۶/۱۹E-۱۶	./۷۸۹۵۴۳	۰/۴۳۰۲
میزان اعتبار بانک تسهیلات دهنده	RANKED	۰/۰۹۰۵۰۹	۰/۰۶۴۳۸۷	۱/۴۰۵۷۰۷	۰/۱۶۰۴
مدت بازپرداخت تسهیلات بانکی	LENGH	۰/۰۰۰۹۵	۰/۰۰۰۳۰۵	-۳/۱۲۷۶۴	۰/۰۰۱۹
تعداد بانکهای تسهیلات دهنده به شرکت	N-LENDER	-۰/۰۱۰۰۶	۰/۰۰۵۱۵۵	-۱/۹۵۱۹۱	۰/۰۴۶۵
حسابرس	AUDITOR	-۰/۰۵۵۰۷	۰/۰۱۸۲۱۲	-۳/۰۲۳۷۴	۰/۰۰۲۶
تعداد تسهیلات گیرندگان از بانک تسهیلات دهنده	N-BRROWER	۰/۰۰۲۱۵۹	۰/۰۰۰۸۵۳	۲/۵۳۰۱۹۴	۰/۰۱۱۷
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار شرکت	BM	-۰/۰۷۶۸۹	۰/۰۲۶۵۱۷	-۲/۸۹۹۵۸	۰/۰۰۳۹
لگاریتم ارزش بازاری سرمایه شرکت	LOGMVE	-۱۵/۴۱	۸/۸۲۴۳۲۸	-۱/۷۴۶۳۱	۰/۰۸۱۴
نرخ بازده دارائی‌های شرکت	ROA	۱/۲۷۴۹۲۹	۰/۷۳۷۰۷۴	۱/۷۲۹۷۱۵	۰/۰۸۴۳
جریان‌های نقدی آزاد شرکت	FCF	۴/۰۱E-۱۵	۱/۱E-۱۴	۰/۳۶۵۹۳۴	۰/۷۱۴۶
اهرم مالی شرکت	LEVERAGE	۰/۰۲۳۶۹۹	۰/۰۱۰۹۰۳	۲/۱۷۳۵۴۹	۰/۰۳۰۲
نسبت پوشش هزینه بهره شرکت	COVERAGE	-۰/۰۰۱۶۸	۰/۰۰۲۳۲۴	-۰/۷۲۱۲۶	۰/۴۷۱۱
الگوی آلتمن	ALTMANZ	-۰/۴۰۰۹۲	۰/۲۳۱۴۶۲	-۱/۷۳۲۱۲	۰/۰۸۳۹
ضریب تعیین تعدیل شده	Adj.R-squared	۰/۲۶	آماره F (۲/۸۰۶)		۰/۰۰۰۶

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج بدست آمده، ۲۶ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تشریح می‌شود؛ به عبارت دیگر ۲۶ درصد تغییرات متغیر وابسته مربوط به متغیرهای مستقل است.

معمولاً بانک‌ها به منظور اطمینان از وصول اقساط و کاهش خطر تسهیلات و اعتبارات پرداختی شرکت‌ها را نظارت خواهند کرد. قاعدتاً هر چه میزان تسهیلات پرداختی بیشتر باشد بانک به منظور کاهش خطر عدم وصول اقساط باید نظارت بیشتری داشته باشد. با توجه به موارد مذکور، فرضیه‌ی (۱) بیان می‌کند که« میزان تسهیلات بانکی (Magnitude) بر مدیریت

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

سود شرکت‌ها تأثیر معنی‌داری دارد». با توجه به نتایج منعکس در جدول (۱) از آنجا که p-value مربوط به ضریب متغیر میزان تسهیلات بانکی (Magnitude) ۰.۴۳ است و از سطح خطای ۰.۰۵ بیشتر است بنابراین فرضیه H_o مربوط به عدم معناداری این ضریب مورد تایید قرار گرفته و بنابراین این ضریب از معنی‌داری آماری لازم برخوردار نیست. بنابراین فرضیه‌ی اول این پژوهش مورد تأیید قرار نگرفته است. به عبارت دیگر بین متغیر میزان تسهیلات بانکی پرداختی و مدیریت سود رابطه معنی‌داری یافت نشد. این نتایج با مبانی نظری پژوهش سازگاری ندارد.

بر اساس مبانی نظری پژوهش ، مدیران شرکت‌ها به منظور جلوگیری از کاهش جریان‌های نقدی آتی و عدم توانایی شرکت در باز پرداخت تسهیلات دریافتی، ناگزیرند از سرمایه‌گذاری های پر خطر پرهیز کنند. فرضیه‌ی ۲ بیان می‌کند که «مدت باز پرداخت تسهیلات بانکی (LENGTH)بر مدیریت سود شرکت‌ها تأثیر معنی‌داری دارد». با توجه به نتایج منعکس در جدول (۱) از آنجا که p-value مربوط به ضریب متغیر مدت بازپرداخت تسهیلات بانکی(LENGTH) ۰/۰۰۱۹ است و از سطح خطای ۰.۰۵ کمتر است بنابراین فرضیه H_o مربوط به عدم معنی‌داری این ضریب مورد تایید قرار نگرفته و بنابراین این ضریب از معنی‌داری آماری لازم برخوردار است. همچنین ضریب مربوط به این متغیر از نظر علامتی منفی بوده و حاکی از آن است که بین متغیر مدیریت سود و مدت تسهیلات بانکی رابطه معکوس برقرار است یعنی هرچه مدت تسهیلات بانکی به عنوان یک منغیر مستقل افزایش یابد، مدیریت سود شرکت کاهش می‌یابد. این نتیجه با مبانی نظری پژوهش سازگاری دارد.

با توجه به مبانی نظری پژوهش با افزایش تعداد تسهیلات دهندگان به شرکت توان نظارتی بانک‌ها افزایش می‌یابد و انتظار می‌رود مدیریت سود شرکت کاهش یابد. بنابراین فرضیه ۳ بیان می‌کند که« تعداد تسهیلات دهندگان به شرکت(N-lender) بر مدیریت سود شرکت‌ها تأثیر معنی‌داری دارد». با توجه به نتایج منعکس در جدول (۱) از آنجا که p-value مربوط به ضریب متغیر تعداد تسهیلات دهندگان به شرکت(N-lender) ۰.۰۴۶ است و از سطح خطای ۰.۰۵ کمتر است بنابراین فرضیه H_o مربوط به عدم معناداری این ضریب مورد تایید قرار نگرفته و بنابراین این ضریب از معنی‌داری آماری لازم برخوردار است. همچنین ضریب مربوط به این متغیر از نظر علامتی منفی بوده و حاکی از آن است که بین متغیر مدیریت سود و مدت تسهیلات بانکی رابطه معکوس برقرار است یعنی هرچه مدت تسهیلات بانکی به عنوان یک منغیر مستقل افزایش یابد، مدیریت سود شرکت کاهش می‌یابد. این نتیجه با مبانی نظری پژوهش سازگاری دارد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

براساس مبانی نظری هر چه میزان اعتبار بانک تسهیلات دهنده بیشتر باشد، توان نظارتی بانک نیز بیشتر است. فرضیه ۴ بیان می‌کند که « میزان اعتبار بانک پرداخت کننده تسهیلات (Ranked) بر مدیریت سود شرکت ها تأثیر معنی‌داری دارد». با توجه به نتایج منعکس در جدول (۱) از آنجا که p-value مربوط به ضریب متغیر میزان اعتبار بانک پرداخت کننده تسهیلات (Ranked) ۰.۱۶ است و از سطح خطای ۰.۰۵ بیشتر است بنابراین فرضیه H_0 مربوط به عدم معنی‌داری این ضریب مورد تایید قرار گرفته و بنابراین این ضریب از معنی‌داری آماری لازم برخوردار نیست. بنابراین فرضیه‌ی چهارم مورد تأیید قرار نگرفته است. یه عبارت دیگر بین متغیرهای میزان اعتبار بانک پرداخت کننده تسهیلات و مدیریت سود رابطه معنی‌داری یافت نشد. نتایج حاصل از آزمون داده‌های تلفیقی نشان می‌دهد که میزان اعتبار بانک پرداخت کننده تسهیلات اثر معنی‌داری بر مدیریت سود ندارد. به غیر از تحقیق چوی و سانگیون (۲۰۰۸) تحقیقی که مستقیماً در رابطه با فرضیه مذکور انجام شده باشد؛ یافت نشد. نتایج حاصل از تحقیق حاضر با تحقیق مذکور مطابقت ندارد. این نتایج با مبانی نظری تحقیق نیز سازگاری ندارد.

۷- نتیجه گیری

معمولاً مدیران شرکت‌هایی که بدهی‌های آنان افزایش عمده‌ای دارد انگیزه بیشتری دارند تا از طریق مدیریت سود، اعتباردهندگان را راضی نگه دارند. بنابر این شرکت‌های که دستخوش افزایش عمده در اهرم مالی می‌شوند، کمتر اقدام به دستکاری سود خواهند نمود . بانک‌ها برای حفظ منافع خود و کاهش ریسک تسهیلات و اعتبارات پرداختی به شرکت‌ها از انگیزه‌های زیادی برای نظارت و کنترل برخوردارند. در این تحقیق اثر نقش نظارتی بانک‌ها بر مدیریت سود شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفت. هدف مطالعه حاضر تعیین تأثیر میزان تسهیلات بانکی دریافتی، مدت تسهیلات بانکی دریافتی، تعداد بانک‌های تسهیلات دهنده به شرکت و میزان اعتبار بانک تسهیلات دهنده به عنوان مکانیزم های نقش نظارتی بانک بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است. نتایج این پژوهش نشان داد که مدت تسهیلات دریافتی و تعداد تسهیلات دهندگان به شرکت بر مدیریت سود شرکت اثر معنی‌داری دارند و متغیرهای میزان تسهیلات دریافتی و میزان اعتبار بانک تسهیلات دهنده بر مدیریت سود شرکت اثر معنی داری ندارند. این نتایج با یافته‌های تحقیق چوی و سانگیون(۲۰۰۸)، داروق و همکاران(۱۹۹۷) و

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

هاشمی و کمالی(۱۳۸۹) مطابقت دارد و با تحقیق جلینک(۲۰۰۷)، ادابشین(۲۰۰۵)، و عارف منش(۱۳۸۵) هماهنگ نیست.

۸-پیشنهادها

الف) پیشنهادهای مبتنی بر نتایج پژوهش

۱- نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان می‌دهد که با افزایش توان نظارتی بانک‌ها مدیریت سود نیز کاهش می‌یابد لذا به بانک‌ها پیشنهاد می‌شود جهت جلوگیری از رفتارهای مخاطره آمیز مدیران که ناشی از مدیریت سود می‌باشد، در طول مدت بازپرداخت تسهیلات نیز نظارت کافی بر شرکت‌ها داشته باشند و صرفاً به اطلاعات بدو پرداخت تسهیلات اکتفا نکنند.

۲- نتایج این پژوهش نشان داد که برخی از متغیرهایی که به عنوان میکانیزم‌های نظارتی بانک‌ها استفاده شده است رابطه معنی‌داری با مدیریت سود ندارد؛ لذا به نظر می‌رسد در محیط اقتصادی ایران، سایر متغیرها به غیر از متغیرهایی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت، تأثیر گذار باشند لذا به مدیران بانک‌ها پیشنهاد می‌شود به سایر عوامل تأثیرگذار نیز توجه داشته باشند.

ب) پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

با توجه به اهمیت نقش نظارتی بانک‌ها ، به نظر می رسد انجام مطالعات بیشتر و با در نظر گرفتن جوانب دیگر موضوع الزامی باشد. آنچه برای تحقیق های آتی پیشنهاد می شود شامل موارد زیر است:

۱- بررسی رابطه نقش نظارتی بانک‌ها با میزان تسهیلات معوق شرکت‌ها

۲- بررسی نقش نظارتی بانک‌ها در حاکمیت شرکتی و اثر آن بر مدیریت سود شرکت‌های تسهیلات گیرنده.

۳- بررسی اثر نقش نظارتی بانک‌ها بر مدیریت سود شرکت‌های تسهیلات گیرنده به تفکیک نوع تسهیلات.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

منابع:

۱- آقایی، محمدعلی و پری چالاکی،(۱۳۸۸) "بررسی رابطه بین ویژگی های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران "، **فصلنامه علوم مدیریت ایران**، انتشارات انجمن حسابداری، فصلنامه چهارم، صص ۵۳-۲۷.

۲- پورحیدری ،امید و داود همتی، (۱۳۸۳)، "بررسی اثر قراردادهای بدهی ، هزینه های سیاسی ، طرح های پاداش ، ومالکیت بر مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران".**بررسی های حسابداری وحسابرسی** ، شماره ۳۶ ، صص ۶۳-۴۷.

۳- جهانخانی، علی و منصور کنعانی امیری (۱۳۸۵)، «ارائه مدل تعیین میزان مخارج سرمایه ای در شرکت های پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از اطلاعات حسابداری»، **ماهنامه علمی پژوهشی دانشور رفتار**، دانشگاه شاهد، سال سیزدهم ، شماره۱۷.

۴- دستگیر، محسن، محسن صادقی و علی شیاسی(۱۳۸۹) "رابطه اقلام تعهدی اختیاری و انگیزه های مدیریت سود با نوسان‌های جریان‌های نقدی" **فصلنامه حسابداری مالی**، دانشگاه آزاد اسلامی مبارکه،شماره ۸ .

۵- رجبی، روح اله و عزیزاله گنجی،(۱۳۸۶)**" بررسی رابطه بین نظام راهبری وعملکرد مالی شرکت ها"** پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه دانشکده مدیریت و اقتصاد، گروه حسابداری، رشته حسابداری.

۶- هاشمی، سیدعباس و ولی اله صمدی (۱۳۸۸) " تاثیر هموار سازی سود بر محتوای اطلاعاتی آن در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" ، **تحقیقات حسابداری**، انشارات انجمن حسابداری ایران، سال اول، شماره ۱، صفحه ۱۴۸ .

۷- طیبی، سید کمیل، امیدی نژاد، محمد و عباس مطهری نژاد (۱۳۸۸) " مقایسه کارائی بانک‌های خصوصی با بانک‌های دولتی به روش پارامتری" **پژوهش های اقتصادی ایران** ، شماره ۴۱.

۸- هاشمی، سیدعباس و احسان کمالی (۱۳۸۹) " تاثیر افزایش اهرم مالی ، میزان جریان نقدی آزاد و رشد شرکت بر مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده رد بورس اوراق بهادار تهران " ، **دانش حسابداری**، شماره ۲، صص ۱۱۵-۹۵ .

9- Ball, R. Brown, P. (1968). "An empirical evaluation of accounting income numbers". **Journal of Accounting Research**, Vol. 6, pp 159-178.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

10- Dechow,P.,Sloan,R and Sweeney , A.(1996).“ Causes and Consequences of Earnings Manipulation :An Analysis of Firms Subject to Enforcement Actions by the SEC”,**Contemporary Accounting Researc**h,13:1-36.

11- Defond. M.L. And Jiambolvo. J.(1994). “Debt Convent Violations And Manipulation Of Accruals.”, **Journal Of Accounting And conomics**.No.17.PP.1-36.

12- Healy , P.M ., Wahlen , J.M. (1999) . " A review of the earnings management Literature and its implications for standard setting " , **Accounting Horizons** ,n :13(4) , pp: 365-383.

13- Jelinek , kate , (2007) . " The effect of leverage increases on earning meanagement " , **Journal of Business & Economic Studies** , n : 13 , pp**:** 24-46.

14- Jones. S. And Sharma. R.(2001) “The Impact Of Free Cash Flow. Financial Leverage And Accounting Regulation On Earnings Manangment In Australia “Old” And “New” Economics. ” **Mangerial Finance**. Vol.27.No.12.PP.19-38.

15- Odabashian , K . (2004): The Effect of Large Leverage Increases on Opportunistic Behavior and Earnings Management . **ph.D,, University of Connecticut** .

16- Sloan, & Richard, G. (1996). "Do stock prices fully reflect information in accruals and cash flows about future earnings" . **Accounting Review**, **71,** pp. 289-315.

17- Sungyoon Ahn, Wooseok Choi ,(2008) “The Role of Bank Monitoring in Corporate Governance: Evidence From Borrowers’Earnings Management Behavior, ”,**Journal of banking & Finance.**

18- Watts,R.L.& Zimmerrman, J.L.(1998).Positiv accounting Theory, Englewood Cliffs: **Perntice hall, New jersey, USA**.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]